

قدرت و اقتصاد نئوکلاسیک

بازگشت به اقتصاد سیاسی در تدریس علم اقتصاد

آدام اوزان

مترجمان سارا واعظ ، مرتضی مرادی

۹	مقدمه مترجمان
۱۱	فصل اول: مقدمه
۱۹	فصل دوم: چرا اقتصاد نئوکلاسیک از قدرت چشم‌پوشی می‌کند؟
۳۱	فصل سوم: چرا قدرت برای علم اقتصاد مهم است؟
۳۹	فصل چهارم: چالش‌های پیش‌روی اقتصاد جریان اصلی از جانب PCES و پیکتی
۶۳	فصل پنجم: علم اقتصاد سیاسی و نظریه بازی مشارکتی
۷۵	فصل ششم: مفهوم قدرت
۸۱	فصل هفتم: نظریه اقتصادی بارتلت در مورد قدرت
۹۳	فصل هشتم: تعریف جدیدی از قدرت
۱۰۱	فصل نهم: تصویرسازی مجدد از تابع رفاه اجتماعی به‌عنوان «تابع اقتصاد سیاسی»
۱۱۹	فصل دهم: نمونه‌هایی از کارکردهای تابع اقتصاد سیاسی
۱۴۳	فصل یازدهم: نتیجه‌گیری
۱۴۹	منابع و مأخذ
۱۵۵	نمایه

فصل دوم

چرا اقتصاد نئوکلاسیک از قدرت چشم‌پوشی می‌کند؟

چکیده: غفلت علم اقتصاد جریان اصلی از قدرت، به زمان انقلاب نئوکلاسیکی یا «مارژینالیست»^۱ در دهه ۱۸۷۰ برمی‌گردد، [یعنی] زمانی که «علم اقتصاد»، جایگزین «اقتصاد سیاسی» شد. جریانی که از سوی انقلاب «اوردینالیست»^۲ دهه ۱۹۳۰ و همچنین تغییر در تفکر درباره «علم اقتصاد رفاه»^۳ و «انتخاب اجتماعی»^۴ در دهه ۱۹۵۰، تقویت شد. در خلال دهه‌های بسیار، امروزه، این [جریان] منجر به تسلط حال حاضر علم اقتصادی که غیرسیاسی فرض می‌شود، یعنی «علم اقتصاد اثباتی»^۵، شده است. اوزان، آدم، قدرت و اقتصاد نئوکلاسیک: بازگشتی به اقتصاد سیاسی در تدریس علم اقتصاد.

1- Marginalist Revolution:

انقلاب مارژینالیست، پیشرفت و توسعه‌ای در نظریه‌های اقتصادی است که در اواخر قرن ۱۹ اتفاق افتاد. طی این جریان، اقتصاد رفتاری در اصطلاح مطلوبیت نهایی و مفاهیم مرتبط با آن مطرح شد. م.

2- Ordinalist Revolution:

ترتیب‌گرایی. این آموزه‌ای است که نشان می‌دهد سطح مطلوبیت فقط به صورت ترتیبی است. مطلوبیت ترتیبی مبنای نظریه تقاضای مصرفی در مکتب کلاسیک جدید است. م.

3- Welfare Economics:

اقتصاد رفاه بخشی از علم اقتصاد است که با استفاده از تکنیک‌های اقتصاد خرد، سعی در اندازه‌گیری رفاه کل دارد. اقتصاددانان رفاه‌محور معتقدند بازارها نمی‌توانند منابع را همواره به شکل اثربخشی توزیع کنند و به اعتقاد آنها در چنین مواردی که آن را «نارسایی بازار» می‌نامند، نهادهای سیاسی باید به‌عنوان مکمل یا جایگزین بازار وارد شوند. م.

4- social choice:

نظریه انتخاب اجتماعی مربوط به چگونگی رابطه فرد و اجتماع است. به‌طور خاص می‌توان قلمرو انتخاب اجتماعی را بررسی امکان جمع کردن منافع، ترجیحات، قضاوت‌ها و وضعیت رفاهی فردی برای دستیابی به منافع، ترجیحات و رفاه اجتماعی دانست. م.

5- Positive Economics:

علم اقتصاد اثباتی، جهان موجود را بدون تلاش برای ایجاد تغییری در آن توصیف می‌کند. اقتصاد اثباتی، متضاد علم اقتصاد (هنجاری) دستوری است. م.

ریشه غفلت اقتصاد نئوکلاسیک از قدرت را می‌توان در انقلاب نئوکلاسیکی یا «مارژینالیست» در اواخر قرن نوزدهم یافت. [یعنی] زمانی که «اقتصاد سیاسی» کلاسیکی، تقسیم شد و [از یک طرف] «علم اقتصاد» که تمرکز محدودتری دارد، و [از طرف دیگر]، قواعد مشترک جامعه‌شناسی و علوم سیاسی، جایگزین آن شدند. (جری و جری^۱، ۲۰۰۰؛ دایره‌المعارف بریتانیکا، ۲۰۰۹). در حالی که عمده توجه اسمیت^۲، ریکاردو^۳، جان استوارت میل^۴ و مارکس^۵، در معرفی خودشان به‌عنوان «اقتصاددان»، به توزیع ثروت و قدرت در میان اقشار جامعه و نقش دولت و دولتمردان در بهبود [وضعیت] کالای عمومی بود، جونز^۶، والراس^۷، مارشال^۸ (کسی که کتابش را با عنوان «مبانی علم اقتصاد»، به‌جای نام مرسوم «مبانی اقتصاد سیاسی»، [اثر] ریکاردو و جان استوارت میل، نام‌گذاری کرد) و [همچنین] پیگو^۹، سعی داشتند که اصول خود را که به‌زعم خودشان، پایه‌های علمی بهتری بودند، در دو مفهوم، جایگزین سازند. اول، این [اصول] قرار بود بر اساس استفاده از روش‌های ریاضی و شرح و تفسیر رسمی آنها باشد. دوم [اینکه] علم اقتصاد، بیش از آنکه درباره مطالعه روابط انسانی باشد، منحصرًا به مطالعه تعیین قیمت و تخصیص منابع در «بازارهای ناشناس»^{۱۰} پردازد.

برای مثال والراس، علم اقتصاد را بیشتر به‌عنوان مطالعه روابط بین اشیا معرفی کرد، و نه روابط میان انسان‌ها و [در واقع]، اظهار می‌کند که به روابط میان عوامل انسانی، می‌توان همانند روابط میان نهاده‌ها و ستاده‌ها نگرست (بولز و گینتیس^{۱۱}، ۱۹۹۳، ص ۸۴). بولز و گینتیس این نظریه را «افسانه والراس» می‌نامند که دلالت بر «مفهوم غیرسیاسی اقتصاد دارد که در آن، تنها قدرت عوامل اقتصادی، قدرت خرید [آنها] است» (همان، ص ۸۶). بنابراین

1- Jary and Jary

2- Smith

3- Ricardo

4- John Stuart Mill

5- Marx

6- Jevons

7- Walras

8- Marshall

9- Pigou

10- anonymous markets

بازارهای بی‌نام یا ناشناس، اشاره به بازارهایی دارند که در آنها خریدار و فروشنده در بازار حضور دارند، ولی در مورد هویت آنها اطلاعاتی در بازار موجود نیست. این گونه بازارها برای سرمایه‌گذارانی جذاب هستند که می‌خواهند حجم بالای مبادلات را بدون جلب توجه بر معاملاتشان انجام دهند، زیرا این گونه توجهات می‌توانند بر سطح قیمت‌های بازار فشار وارد کنند. م.

11- Bowles and Gintis